

آذر ماه امسال رنگ و بوی دو رویداد بزرگ را دارد، عید غدیر خُم و عاشورا. این دو روی داد، یادآور دو دوست بزرگ خداست. هر دو شجاع، هر دو عاشق، هر دو شهید. یکی پدر، یکی پسر. در روز غدیر، هنوز صدای پیامبر (ص) می آید: «هر کس که من مولای اویم، از این پس علی مولای اوست.» و در روز عاشورا صدای امام حسین (ع) به گوش می رسد: «اگر با کشته شدن من، دین جَدَم محمد (ص) پابرجا می ماند، پس ای شمشیرها مرا دریابید!»

این پدر و پسر از شگفت ترین و شجاع ترین عاشقان تاریخ اند. مولا علی (ع) شجاعت در عاشقی را به جایی رساند که شب هجرت، در بستر پیامبر خوابید. در حالی که می دانست ده ها مرد شمشیر به دست بیرون خانه آماده ی هجوم و ریختن خون او- به جای پیامبر- هستند. آن امام متقین در میدان های نبرد به القابی هم چون اسدالله و سیف الله شناخته می شد و سخنان حکیمانه اش (نهج البلاغه) را «برادر قرآن» لقب داده اند.

پسرش حسین (ع) عظمت و مقام بلند «شیر خدا» را به خوبی می شناخت. آن قدر دوستش داشت که اسم پسرهایش را علی اکبر، علی اوسط (امام زین العابدین) و علی اصغر گذاشته بود و می گفت اگر صد پسر هم داشته باشم، همه را علی خواهم نامید. در آخرین لحظه های زندگی، با لب تشنه مقابل لشکر کفر رَجَز می خواند و خود را «پسر علی مرتضی» معرفی می کرد و این بزرگ ترین افتخارش بود.

دوستان نوجوان، روی دادهای بزرگی هم چون واقعه ی عاشورا، همیشه به همت انسان های شجاع پدید می آیند. اما آیا می دانید این همه دلیری و شجاعت را از کجا به دست می آورند؟ از دوستی با خدا. آن هایی که دوستی به بزرگی خداوند داشته باشند، همه ی خطر ها در نظرشان حقیر می شود و نمی ترسند؛ چون یقین دارند که در آن سوی هستی، یک دوست مهربان با آغوش باز انتظارشان را می کشد. راستی، دقت کرده اید:

«هر کس از خدا بترسد، خداوند همه را از او می ترساند و هر کس از خدا نترسد، خداوند او را از همه می ترساند.»

از عاشقان دلیر